بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[کذب 2](#_Toc429136793)

[نبود مخاطب در کذب 2](#_Toc429136794)

[احتمالات: 2](#_Toc429136795)

[نظر امام (ره) 2](#_Toc429136796)

[اشکال امام (ره) به نظر خودشان 3](#_Toc429136797)

[جمع‌بندی 3](#_Toc429136798)

[مناقشه در مقدمه اول امام (ره) 3](#_Toc429136799)

[مناقشه در مقدمه دوم حضرت امام (ره) 4](#_Toc429136800)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc429136801)

[تأثیر وجود مخاطب و قصد گوینده در حکم 4](#_Toc429136802)

[حکم در مخاطب غیرمستقیم 5](#_Toc429136803)

# کذب

# نبود مخاطب در کذب

15 روایت در باب 38 را مورد بررسی قرار دادیم. ذیل آن روایات مستدرک را نیز مورد بحث قرار دادیم. بحث دیگری که در مورد کذب مطرح می‌شود این است که حضور مخاطب و استماع کسی در کذب شرع است یا خیر؟ این بحث را امام (ره) بیان کرده‌اند.

قدر متیقن جایی است که مخاطب حضور دارد اما در زمانی که کسی حضور ندارد، جای بحث است. نظیر این بحث در ابواب دیگر نیز قابل‌بحث است. مثل سب و لعن. مثلاً شخصی بدون حضور مخاطب و مستمع، سب و لعن کسی می‌کند. در مسخره کردن نیز چنین است. گاهی در خلوت عمل مسخره کردن از وی صادر می‌شود.

با طرح این مسئله،‌متوجه می‌شویم که امور محرمه‌ای که مخاطب دارند، را می‌توان به شکل دیگری نیز بررسی کرد و آن هم زمانی است که مخاطب و حضور کسی وجود نداشته باشد. اکنون به بررسی این می‌پردازیم که آیا این صورت مشمول ادله‌ی حرمت کذب است یا خیر؟

## احتمالات:

در این باب دو احتمال است:

1.احتمال اول این است که بگوییم دلیل اطلاق دارد. ادله حضور مخاطب را بیان نکرده‌اند و قطعاً شمول دارد.

2. احتمال دیگر این است بگوییم کذب در زمانی که مخاطبی وجود ندارد جایز است.

## نظر امام (ره)

امام (ره) دراین‌باره نظری دارند که دارای مقدماتی است.

مقدمه اول این است که دلالت تابع اراده است. بعضی دلالت تصوریه را قبول ندارند و دلالت استعمالی را قبول دارند. در این مقدمه مبنای نظریه دلالت تابع اراده است را باید بپذیریم. مثلاً‌ اگر کسی در خواب کذب و گناهی انجام بدهد، چون اختیاری ندارد، گناهی انجام نشده است. دلالت در جایی است که اراده‌ای وجود داشته باشد. این نظر خواجه است.

از این مقدمه نتیجه می‌گیریم که دلالت در جایی است که همراه با کلام،‌قصد و نیت و اراده‌ای باشد.

مقدمه دوم این است که دلالت از مقوله‌ی اضافه است. این مقوله متقوم به طرفین است. دلالت هدایت شخص دیگر به محتوا است. دلالت به معنای راهنمایی است. در این راهنمایی،باید هادی و مهدی وجود داشته باشند تا هدایت صدق کند و مصداق پیدا کند.

از این دو مقدمه نتیجه می‌گیریم که کلام کذب، دلالت می‌کند، دلالت نیز در جایی است که اراده می‌خواهد، اراده نیز در جایی است که طرف مقابلی وجود داشته باشد تا راهنمایی بشود.

بنابراین استدلال نتیجه می‌گیریم که زمانی که مخاطب وجود نداشته باشد، کذب حرام نیست. البته این در مورد تمام گناهانی که طرف مخاطب دارند، صدق می‌کند.

### اشکال امام (ره) به نظر خودشان

اشکال مقدمه اول را در اصول بحث کرده‌اند. این فرمایش خواجه، محل خدشه قرار داده است. دلالت در جایی که اراده هم نباشد، بر اساس نظام وضع و قراردادی بین الفاظ و معانی است، این جمله مدلولی دارد. وارد بحث اصولی مقدمه اول نمی‌شویم. ولی عدم قبول این مقدمه امر درستی است و دلالت تابع اراده نیست.

اشکال مقدمه دوم نیز به این صورت است که: دلالت که امر اضافه است و متقوم به طرفین است، ما می‌گوییم دلالتی که در آن شأنیتی وجود دارد که کسی را هدایت کند. اگر ما هدایت را به معنای ما یدل بالفعل بگیریم، قطعاً ناظر مسئله نیست ولی اگر دلالت را شأنیت بگیریم، قطعاً ناظر است. زیرا ممکن است کسی نشنود، ولی دلالت وجود دارد. مقصود از دلالت و تعریف دلالت ما یفید المعنا است و هدایت بالقوه‌ی شخص است. دلالت به این معنا است که اگر شخصی بشنود، به معنا پی می‌برد.

## جمع‌بندی

خود حضرت امام (ره) به دو مقدمه‌شان اشکال می‌گیرند و ترجیح می‌دهند که در اینجا نیز اطلاق وجود دارد. کذب در جایی که مخاطبی وجود ندارد را شامل می‌شود.

### مناقشه در مقدمه اول امام (ره)

اینکه بگوییم دلالت تابع اراده است یا خیر، نقشی در بحث ما ندارد. چون شخص اراده فهم نمی‌کند بلکه اراده معنا می‌کند. بحث ما این است که کسی بدون قصد افهام، کذب و سب انجام می‌دهد. در اینجا قصد افهام وجود ندارد. قصد مضمون در اینجا وجود دارد. کسانی مثل خواجه و قطب‌الدین نظر دارند دلالت در جایی است که اراده باشد، در این مورد نیز اراده معنا و قصد مضمون وجود دارد. بنابراین مقدمه اول، در اینجا نباید وارد می‌شد.

اگر کسی بگوید مقوله اضافه بودنش نیاز به قصد تفهیم دارد. جواب این شخص را به این شکل می‌دهیم که قصد مضمون کردن، این را امر اضافی نمی‌کند بلکه چیزی که این امر را اضافی می‌کند، قصد تفهیم است. چیزی که امر را اضافی می‌کند این است که قصد فهماندن بکند و دلالت نیز به معنای قصد فهماندن نیست.

### مناقشه در مقدمه دوم حضرت امام (ره)

امام (ره) فرمودند دلالت متقوم اضافه نیست؛ و متقوم شأنیت است. زیرا معنای دلالت در جایی است که شأنیت افاده‌ی معنا را داشته باشد.

به این مقدمه‌ی دوم این‌گونه جواب می‌دهیم، ما قبول داریم که دلالت یعنی چیزی که شأنیت هدایت را دارد. اما باید بگوییم دلیل از اینجا انصراف دارد. این را در مقوله اضافه نمی‌بریم. دلیلی که می‌گوید کذب و فحش حرام است، انصراف به جایی دارد که کسی می‌شنود، نوعی هتک حیثیت می‌شود و یا اینکه شخص تصور غلطی به خاطر کذب پیدا می‌کند. درست است که این‌ها برای کذب علت نیست و بیشتر جنبه‌ی حکمت دارد؛‌اما این بحث می‌تواند دلیل بشود که در صورت نبود مخاطب، دلیل منصرف بشود. عرف در این موارد می‌گوید که دلیل از این امر منصرف است.

## نتیجه‌گیری

با توجه به نکات بالا،‌ می‌توانیم بگوییم که دو استدلال برای عدم شمول ادله و اطلاق ادله وجود دارد. یک استدلال مقدمه دوم حضرت امام (ره) فرمودند. دلالت متقوم اضافه است و در جایی است که مخاطب و مستمع باشد. این استدلال تام نیست و جواب دارد. همین‌که شأنیت معنا را داشته باشد، کفایت می‌کند.

استدلال دوم این است که مفهوماً کذب، صادق است،‌اما عرفاً در این موارد دلیل انصراف دارد.

استدلال دوم، بعید نیست. این استدلال در فحش، استهزاء واضح‌تر است. انصراف در آن‌ها اوضح است. شاید در کذب بگوییم قبح فاعلی مطرح است ولی در آنجا واضح‌تر است.

### تأثیر وجود مخاطب و قصد گوینده در حکم

قصد شنیدن و نشنیدن در اینجا مطرح نیست بلکه بود و نبود مخاطب مدنظر ماست. اگر شخص توجه داشته باشد که مخاطب می‌شنود، فعل حرام است. اما اگر توجه ندارد که کسی می‌شنود و شخص قصد نکرده است، کار حرام است ولی تنجز وجود نداشته است.

شرط حرمت این نیست که کسی قصد بکند یا نکند، شرط حرمت این است که کسی بشنود و بفهمد. اگر کسی شنید حرمت وجود دارد و تنجز می‌کند ولی اگر کسی نشنود و قصد هم کرده باشد، حرمت است ولی تنجز نکرده است.

#### حکم در مخاطب غیرمستقیم

چیزی که ما می‌گوییم تنجز نمی‌کند و دلیل انصراف از آن دارد در جایی است که مخاطب مستقیم یا غیرمستقیم چه در این زمان و چه بعد ندارد. اما گاهی شخص نواری را ضبط می‌کند، اکنون مخاطب ندارد ولی بعد مخاطب پیدا می‌کند، این انصراف ندارد و اطلاق می‌گیرد.